

رهبری دینی نسل جوان

سخنرانی وزیر آموزش و پرورش در اجتماع ائمه جماعت مدارس شهر تهران

تالار فرهنگ - ۲۹/۱۱/۴

کار هدایت و ارشاد، اصولاً کار سخت و پیچیده‌ای است و وقتی سروکار انسان با جوانان و نوجوانان باشد این کار از پیچیدگی و ظرافت بیش‌تری برخوردار می‌شود.

بدیهی است در امر هدایتگری، تبلیغ و ارشاد، نقش هادی و مربی، هدایت و ویژگی‌های او و شیوه‌هایی که باید در امر هدایت جوان و نوجوان رعایت کند و این که

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 " و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا لَمَّا
 صبروا و كانوا باياتنا یوقنون "

و بعضی از آنان را پیشوای مردم قرار دادیم تا به دستور ما مردم را هدایت کنند، به خاطر این‌که صبور بودند و به آیات ما یقین داشتند.

سورة سجده، آیه ۲۴

امروز توفیقی نصیب بنده شد تا در جمع عزیزانی باشم که دارای سه ویژگی مهم‌اند: یکی این که در زمره روحانیان و علمای دین‌اند، دیگر این که مسئولیت هدایت و ارشاد و رهبری و راهنمایی را بر عهده دارند و سوم این که سروکارشان با نسل جوان و نوجوان است و مأموریت ارشاد و هدایت سرمایه‌های اصلی کشور و آینده‌سازان نظام اسلامی را بر عهده دارند. البته ارتباط با مراکز آموزشی و مدارس و هدایتگری در نظام کلاسیک آموزشی نیز از ویژگی‌های ممتاز دیگری است که به ویژگی‌های قبلی اضافه می‌شود.

ویژگی‌هایی که عرض شد در حقیقت بیانگر حساسیت و اهمیت کار عزیزان است و طبعاً این ویژگی‌ها و این حساسیت است که ایجاب می‌کند دوستان در ایفای وظایف و مأموریتی که دارند به نکاتی توجه کنند و ظرایفی را رعایت نمایند.



شهیدان و تربیت نسل امروز، متناسب با جوهر مأموریت و رسالت نظام الهی و اسلامی که از جمله وظایف بسیار سنگین است.

امروزه افراد بسیاری در سخنرانی‌های خود از فاصله و گسست بین نسل جدید و قدیم سخن می‌گویند. این نگرانی‌ها بی‌جا نیست، اما بیان صرف نگرانی و اضطراب و ایجاد یأس و ناامیدی کافی نیست. بیان این سخنان باید حساسیت‌ها را بیش از گذشته کند. باید اهتمام و جدیت را در برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی‌ها افزایش دهد و عزم راسخ و جدی، به ویژه در مسئولان هدایت و راهبری نسل جوان ایجاد کند.

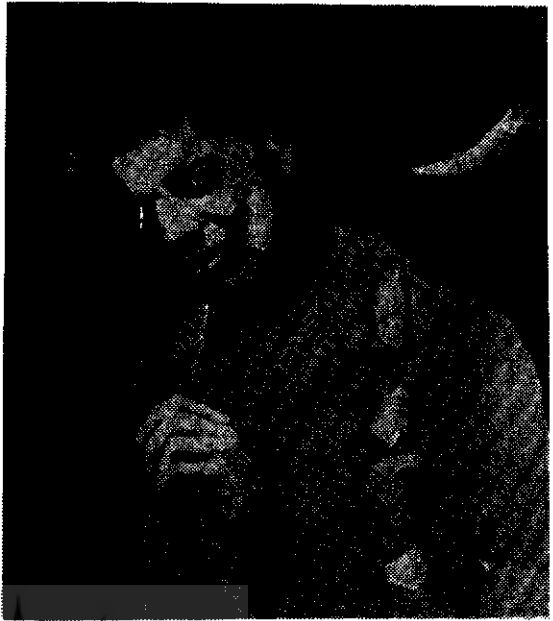
چه افرادی جز من و شما باید برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی نمایند؟ وقتی از دین‌گریزی و ارزش‌گریزی نسل جوان سخن گفته می‌شود، چه کسی جز معلمان و مربیان و علمای دینی که کار هدایتگری را دارند باید برنامه‌ریزی نمایند؟ دین‌گریزی گروهی از جوانان و نسل جدیدی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب‌اند باید مسئولان، به ویژه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و خانواده‌ها و علی‌الخصوص عالمان دینی را به تفکر عمیق و چاره‌اندیشی دقیق وادار نماید. به ویژه آن‌که همه می‌دانیم دین‌گریزی علت نیست، بلکه معلول مسایل دیگر است. این امر ناشی از یک علت هم نیست، بلکه علل و عوامل فراوانی دارد که باید اول آسیب‌شناسی شود و سپس به دنبال برنامه‌ریزی برای درمان آن بود. زیرا جوانان ما در ذات خود نه تنها دین‌گریز و ارزش‌گریز نیستند، بلکه دین‌باور و صاحب انقلاب‌اند. چه کسی است که بتواند نقش جوانان را در دوران انقلاب، در دوران هشت

بداند مسیر را چگونه طی کند و قافله را چگونه و از چه جایی به کجا ببرد، از جمله مسایل بسیار مهم و اساسی است.

علم و آگاهی به مسئولیت و مأموریت هدایتگری از جمله ویژگی‌های هادیان است. هادی باید آگاه به هدف باشد، مسیر را بشناسد، روش‌ها را بداند، راه سعادت و شقاوت را تمیز دهد، آفات راه و فرصت‌های خاص را تشخیص بدهد، مخاطب را بشناسد و ویژگی روحی و روانی او را بداند. باور، ایمان و یقین به کار خود داشته باشد تا بتواند با همه وجود برنامه‌ریزی کند. شک و تردید به خود راه ندهد و ایمان و یقین به مسئولیت را در او شعله‌ور سازد: "آمن الرسول بما أنزل الیه من ربه."

ویژگی دیگر، استقامت در راه هدف، پذیرش سختی و مشکلات در امر هدایت و ارشاد، پذیرش طعنه‌ها و تمسخرها، پذیرش تنگناها و تمایلات است. این ویژگی‌ها از ویژگی‌های ائمه و پیشوایان هدایت و انسان‌سازی است. همان‌گونه که چنین شرایطی را خداوند درباره پیشوایان دین ذکر می‌کند و می‌فرماید: "و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا لئلا یصبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون" و بعضی از آنان را پیشوا و امام و رهبر و مسئول هدایت مردم قرار دادیم تا مردم را به دستور ما هدایت کنند، به خاطر این که صبور بودند و به آیات ما یقین داشتند.

در این آیه اشاره به هدف و جهت هدایتگری هم می‌شود. مأموران هدایت باید مردم را به امر ما هدایت کنند، یعنی نباید هر طور که دلمان بخواهد از مردم و مخاطبان سوء استفاده کنیم. هدایت به سوی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، هدایت به سوی آرمان



و... قرار دارد و به همین جهت به رهبری دینی نیازمند است. رهبری دینی نسل جوان، به ویژه اندیشه جوان، هم از اهمیت بسیاری برخوردار است و هم ظرافت و دقت فوق العاده را می طلبد."

شهید مطهری از جمله اندیشمندان معاصر بود که بیشترین تلاش خود را صرف رهبری نسل جوان نمود. تمام تلاش شهید مطهری برای رهبری اندیشه نسل جوان بنابر تعریف دوم از جوانان است، یعنی همان طبقه تحصیل کرده‌ای که دارای اندیشه جدید است. او معتقد بود: "اگر فکری برای هدایت و رهبری این نسل نشود، آینده و آیندگان به کلی از دست خواهند رفت."

پس، روش برخورد با جوانان و رهبری دینی نسل جوان از مسایل بسیار مهمی است که با سرنوشت انقلاب پیوندی ناگسستنی دارد. برخورد با نسل جوان باید بر اساس واقع بینی، منطق و به دور از افراط و تفریط باشد تا نه موجب سرخوردگی شود و نه موجب غرور و خودفریبی و طغیان او. اول باید روی نکات مثبت جوان انگشت گذاشت و با دادن شخصیت و کرامت در دل او وارد شد. سپس به سؤالات او باید پاسخ درست داد تا امکان نفوذ و هدایت فراهم گردد. نباید جوان را با یک سؤال متهم به بی دینی کرد. کسانی که جوانان را متهم به بی دینی می کنند در سقوط، بی دینی و دین‌گریزی آنان سهم و شریک‌اند.

حضرت امام در خصوص چگونگی برخورد هادیان و مربیان و علمای دین با نسل جوان هشدار می دهد و می فرماید:

"امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد اسلامی کشورمان احساس

سال دفاع مقدس و در مواقع حساس انقلاب نادیده انگارد؟ بستگی به این دارد که چگونه به جوان نگریسته شود و چگونه با او سخن گفته شود. شهید مطهری در مورد جوانان می فرماید: "جوان را به دو صورت می توان تعریف کرد:

۱- طبقه‌ای که دارای سن خاص و حالات روحی و روانی، احساسات و نیازهای مخصوص است.

۲- طبقه‌ای که به خاطر تحصیلات و آشنایی با اندیشه‌های جدید، دارای اندیشه نو و سؤالات تازه است و حاضر نیست از نسل گذشته بدون دلیل و عقل و منطق همه چیز را بپذیرد. او می خواهد در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه خود شریک باشد و از حقوق فردی و اجتماعی خود دفاع کند.

جوان در هر دو تعریف در نیازهای آغازین روحی، جسمی و اجتماعی مشترک است و در معرض انواع انحرافات فکری، جنسی، دینی

جوان ما مزایا و عیب‌هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساساتی دارد که در گذشته نبود و از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد. باید آن‌ها را نیز شناخت و چاره کرد. چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا و بدون احترام گذاشتن به آن‌ها میسر نیست. اگر بخواهیم به این امور بی‌اعتنا باشیم محال است که بتوانیم جلوی انحرافات فکری و اخلاقی نسل آینده را بگیریم.

آسیب‌شناسی و درمان

یکی از موارد ضروری در رهبری دینی نسل جوان شناخت دردها و دغدغه‌های فکری جوان است که دائماً فکر را مشغول، آرامش او را سلب و حتی جسم او را رنجور کرده است. پس از شناخت دردها می‌بایست به فکر درمان افتاد و درمان نیز باید با برخورد مناسب و منطقی باشد وگرنه به آسیب‌ها دامن زده، او را منحرف و آن‌گاه از دین و معنویت و خداگریزان خواهد کرد، همان چیزی که شهید مطهری از آن می‌ترسید و در علل گرایش جوانان به مادگرایی و مکاتب الحادی به این درد اشاره می‌کند و یکی از علل‌ها را برخوردهای غیرمنطقی و غیرمعقول با سؤالات جوانان و تکفیر و تفسیق جوانان می‌داند و مسئولان تعلیم و تربیت و عالمان دینی را از این شیوه نامناسب برحذر می‌دارد.

باید دانست که سؤالات جوان همیشه ناشی از انحراف نیست. بلکه ناشی از روح کنجکاوی و هشیاری و نشانه رشد و حیات و بیداری اوست. البته رهبری نسل جوان مانند تکالیف تعبدی، روش خاص، قطعی و ثابت ندارد. بلکه

می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنویید و اگر بی‌راهه می‌روند یا بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست را نشان دهید و باید به این نکته توجه شود که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً آنگ التقاط بر نوشته‌های آنان زد و همه را یک باره به وادی شک انداخت. به جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید.

برخورد با جوانان پرشور و پراحساس، شیوه خاصی می‌طلبد. به قول شهید مطهری، امروز نمی‌توان همان منطقی را که برای پیرزن ریسنده در قدیم در خداپرستی گفته می‌شد به جوان امروزی گفت. شهید مطهری برخوردهای بد با جوانان را مذمت می‌کند و می‌گوید: "روشی که ما در مقابل این نسل پیش گرفته‌ایم روش دهان کجی و انتقاد صرف و مذمت است و درست نیست."

در برخورد با جوانان باید از هرگونه افراط و تفریط پرهیز شود. نه برخورد تند و خشن و غیرمنطقی و سرکوب احساسات آن‌ها و نه برخوردهای غیرواقعی که همه خواست‌های جوانان را درست و برحق بدانیم و در آنان رشد کاذب و توقع نابجا ایجاد کنیم. باید متناسب با ذات و جوهره او و با استفاده از سلائق و علائق او، امر هدایت نسل جوان را دنبال کنیم.

شهید مطهری مهم‌ترین مسئله در رهبری دینی نسل جوان را شناخت و فرمود:

"ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم، نسل

الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن".
 پس از دعوت به حق، دعوت به خداپرستی،
 دعوت به ارزش‌ها و آرمان‌ها، به سه روش
 اشاره می‌کند:

۱- با حکمت و برخوردی حکیمانه با نسل
 جوان .

۲- با رأفت و رحمت و عشق و موعظه
 حسنه.

۳- با بحث و سؤال و جواب نیکو و منطقی و
 اقتناع‌کننده.

سخن گفتن متناسب با عقل و درک جوانان
 چنان‌که پیامبر "ص" فرمودند:

"انا معاش الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر
 عقولهم". باید به اندازهٔ عقول و فهم مخاطبان
 سخن گفت.

مولوی می‌گوید:

پست می‌گویم به اندازهٔ عقول

عیب نبود این بود کار رسول

بدین جهت شهید مطهری نیز در رهبری
 نسل جوان اشاره به روش‌های جدید می‌کند و
 می‌فرماید:

"مهم‌تر از این که طرحی برای این نسل
 تهیه کنیم این است که این فکر در ما قوت
 بگیرد که مسئلهٔ رهبری و هدایت از لحاظ
 تاکتیک و کیفیت عمل در زمان‌های متفاوت و
 در مورد اشخاص متفاوت فرق می‌کند و ما
 باید این خیال را از سرخود بیرون کنیم که نسل
 جدید را با همان شیوهٔ قدیم رهبری کنیم."

هدایت و رهبری، با روح و روان بشر و
 جوان سروکار دارد و هرگز با زور، تحکم، اجبار
 و اکراه سازگاری ندارد. لذا تا مریان و عالمان،
 درد و زبان و دغدغه‌های جوانان را ندانند،
 هرگز نمی‌توانند به درمان آن همت گمارند.

ارائهٔ روش‌ها متناسب با هر زمان و مکان و
 فضای فرهنگی کشور بر عهدهٔ عالمان دینی
 است. لذا توجه به نقش زمان و مکان در تعلیم و
 تربیت و هدایت از مسائل بسیار مهم و اساسی
 است.

قرآن کریم سه روش را برای هدایت انسان
 ذکر می‌کند:

" ادع الی سبیل ربک بالحکمه و



هدایت مرحله‌ای را پیش گرفتن، پرهیز از سختگیری نابجا و تکلیف سخت و آزار دهنده، ساده گرفتن امور و بچه‌ها را از تکالیف الهی ترساندن، این‌ها از جمله ویژگی‌هایی است که مسئولان هدایت را بیش‌تر به فکر چاره‌اندیشی می‌اندازد.

در حدیثی از امام صادق (ع) دیدم که فرموده‌اند:

” شما همیشه متوجه این حقیقت باشید که به مردم سختگیری نکنید. اندازه‌توان و طاقت و توانایی مردم را در نظر بگیرید. تا می‌توانید کاری کنید که مردم متمایل به دین شوند و فراری نشوند. آیا نمی‌دانید که روشن‌سیاست اموی بر سختگیری و شدت است ولی راه و روش ما به نرمی و مدارا و حسن معاشرت و به دست آوردن دل‌هاست؟“

استفاده از هنر ضرب‌المثل، تمثیل و جاذبه‌های ویژهٔ جوانان برای پرورش روح معنویت و تقوا و ایمان و استفاده از وسائل سمعی و بصری و رسانه‌های ارتباطی در رسیدن به هدف فوق مؤثر است.

حضور روحانیون و علمای دینی در مدارس و پیوند این عالمان با معلمان و مربیان مدارس و پیوند دانش‌آموزان با آن‌ها و مساجد و آشنایی آنان با امور معنوی و روحانی از سیاست‌های استراتژیک آموزش و پرورش می‌باشد.

حضور روحانیون عزیز در مدارس فرصت بسیار ارزشمند و مغتنمی برای پیوند بین دین و دنیای دانش‌آموزان و تلفیق علم و ایمان آن‌هاست که باید در تقویت این مهم همت گماشت و از این فرصت بهره‌برداری درست نمود.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

بزرگ‌ترین مشکل رهبری نسل جوان، در فهمیدن زبان و منطق او و روبه رو نشدن با زبان و منطق جوان است.

ارائهٔ الگوی عملی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل برای هدایت نسل جوان است. عامل بودن رهبران و هادیان به گفتارها و مواعظ، خود راهگشایترین عامل برای هدایت است. پس برای هدایت، آگاهی و رشد عقلانی نسل جوان باید هم گام‌های نظری و هم گام‌های عملی برداشت و برای تصرف قلب و روح جوان با ظرافت و دقت حرکت کرد.

تربیت‌های عملی و غیرکلامی مهم‌ترین تأثیر را در قلب و روح جوانان خواهد داشت. برای همین است که امام صادق (ع) فرموده‌اند:

” کونوا دعاة الناس بغيرالستکم.“

به قول مولوی :

گفت حجت‌های خود کوتاه کنید

پند را در جان و در دل ره کنید

گرکمال با کمال انکار نیست

ورنیم این زحمت و آزار چیست ؟

علمای عزیز دین و روحانیان گرامی سعی کنند تا زیبایی‌ها و یوسف‌های دینی را برای نسل جوان و تشنگان حقیقت، شیرین و جذاب و کارآمد نشان دهند، آن هنگام خواهند دید زلیخاهای فراوانی از جوانان، عاشق و شیفتهٔ دین خواهند شد.

دردمندی و احساس مسئولیت نیز از ویژگی‌های مربیان هدایت است. غافل نبودن، بی‌اعتنا نبودن، در مسیر هدایتگری حریص بودن، از انحرافات نسل جوان ناراحت شدن، دردمند بودن، ” عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم“، رعایت تدریج و تدرج در ارشاد و هدایت، عجزول نبودن، انتظار بی‌جا نداشتن و